

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره نهم  
آذر ماه ۱۳۳۹

# آگهی المعنا

دوره - بیست و نهم  
شماره - ۹

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

( مؤسس : مرحوم وحید دستگردی )  
( صاحب امتیاز و نگارنده : وحیدزاده - نسیم دستگردی )

از: وحیدزاده - نسیم

## وزارت فرهنگ و مسؤول

### حفظ و حرمت گنج رفیع ادب و سخن فارسی است

از آغاز دوران مشروطیت و عصر آزادی باینطرف از لحاظ کمیت هر چه بر تعداد مدارس و مکاتب کشور و داوطلبان کسب دانش و معرفت افزوده گردید از جهات کیفیت بهمان میزان روش تعلیم و تربیت بیشتر جنبه سطحی و ظاهری پیدا کرد و پایه های محکم و متین علم و فرهنگ روبه سستی و نقصان نهاد تا آنجا که گوئی همواره این نسبت برقرار بوده و همچنان برقرار خواهد ماند چنانچه نتایج نامطلوب آنرا هم اکنون همگان برای العین مشاهده مینمایند .

فرهنگ جدید ایران در طول پنجاه سال اخیر بعللی چند نه تنها نتوانسته در رشته های علوم و صنایع عالم و متخصص بمعنی واقعی که حد اقل کشور را از وجود

متخصصان و کارشناسان خارجی بی نیاز گردانند تربیت نماید بلکه موجبات ضعف و انحطاط علوم و فرهنگ کهن را که در تمام ادوار اسلامی ایران مرکز اصلی آن بوده و دهها تن از نوابغ علم و ادب جهان را در دامان خود پرورش داده فراهم ساخته است .

زمانی در هر گوشه و کنار مملکت فضلاء و دانشمندان نامداری یافت میشدند و از فضائل و معلومات خویش خواستاران علم و هنر را بهره‌مند میساختند که تحصیل علم و ادب برای دریافت مزد و حقوق نبود و برای آن رنج تحصیل را بر خود هموار میساختند که حقیقه طالب علم و ادب بودند و تنها آرزویشان این بود که روزی بدرجات عالیّه فضل و هنر نایل آیند .

در آن ایام اگر ادیب یا حکیمی در گوشه رخت از جهان برمی بست این نگرانی کمتر وجود داشت که جانشینی نداشته باشد و با مرگ او شمع فروزانی از علم و هنر برای همیشه خاموش بماند و محفل عشاق فضایل و معانی بدون راهبر و سرپرست گردد . در میان صدها طلاب مدارس کسانی یافت میشدند که دارای قریحه و استعداد طبیعی بودند و چون منظوری جز کسب دانش و معرفت نداشتند لاجرم بهر گونه سختی و مشقت تن در میدادند تا بر گوهر گرانبهای علم و هنر دسترسی یابند . تمام دانشمندان و حکماء و سخنورانی که در طول ده دوازده قرن اسلامی چون ستارگان تابناکی در آسمان ادب و دانش ایران طلوع کردند و جهانی را از انوار خرد و فضائل خویش منور ساختند و صدها آثار جاودانی بیادگار گذاردند تربیت یافتگان همین مدارس و مکاتب بودند .

ظهور آنهمه نوابغ و بزرگان علم و ادب که همواره مایه مباهات و افتخار ایران و عالم دانش و هنر بوده‌اند دلیلی هویدا و آشکار داشته است . در آن زمان تحصیل علم و ادب برای کسب جاه و مال ، تظاهر و خودنمایی و یا بدست آوردن عناوین

واوراقی بی پایه بنام دیپلم، لیسانس و دکتران بود بلکه از آن لحاظ بتحصیل علم و دانش همت می گماشتند که شیفته دانش و طالب حقیقت بودند و خارج از هر گونه هوسهای نفسانی و امیال شیطانی در طریق منظور گام برمیداشتند تا شاهد مقصود را بچنگ آرند.

از زمانیکه ملاک تشخیص و سنجش علم و دانش بر روی این اوراق ظاهر فریب قرار گرفت و شرایط دسترسی بکار و شغل و امتیازاتی دیگر مشروط و منوط بتبیه آنها گردید و وسعت معلومات بسرعت روبگاهش نهاد و انظار از توجه به هدف اصلی منحرف شد و همه کوششها مصروف تهیه یکی از این اوراق بهر طریقی که ممکن باشد گردید.

فرهنگ جدید ایران از آغاز پیدایش تا کنون همواره با برنامهای نادرست و اشتباه آمیز خود در مدارس تنها با مسأله کمیت که تعداد دانشجو و مدرسه باشد سروکار داشته و کمتر بکیفیت امر که بالا بردن سطح معلومات محصلان باشد توجه نموده از اینرو هر ساله صدها نفر دانشجویانیکه در شعب مختلفه دانشنامه های پایان تحصیلی خود را بیاس مقداری محفوظات ناقص و یا عواملی دیگر دریافت میدارند ناچار هیچگونه اطلاعات مقدماتی از رشته های تخصصی خود نداشته و چون مقصود اصلی بدست آوردن یکی از این اوراق و عناوین مربوط بدان بوده لاجرم عرصه پهناور علم و دانش جایگاه رفیع خود را باوراقی مجعول و عناوینی نامفهوم داده است. متجاوز از نیم قرن از آغاز ایجاد فرهنگ و مدارس جدید ایران میگذرد و در این مدت نسبتاً طولانی بسا مللی که چندان سوابق علمی و فرهنگی درخشانی چون ایران نداشتند ولی با سرعت شگفت انگیزی در اثر پیروی از راه و روشهای صحیح و عاقلانه توانستند علوم و صنایع جدید را بخوبی اخذ نمایند و خود را بیابیه ملل مترقی جهان برسانند.

اما کشور ما در این دوران گرانبها نه تنها کمترین توفیقی در این راه بدست نیاورده بلکه با گامهای بلند در طریق علوم و دانشهایی که از دیرباز مایه مباهات و افتخار آن بوده سیرقه‌قرائی پیموده است .

در این میان روزگار زبان و ادب فارسی بسی آشفته‌تر و تأثر انگیزتر بوده و با آنکه در سراسر این دوران نتوانسته‌ایم کوچکترین خدمتی بعالم ادب و سخن انجام دهیم و همواره مدیون و جیره‌خوار خوان دانش و فضیلت گذشتگان بوده‌ایم بی‌اعتنائی و سهل‌انگاری را در حفظ و حراست این میراث گرانبها بحد اکمال رساندیم .

نه تنها باین گنجینه‌های علم و حکمت و اندیشه‌های لطیف عالم انسانی بنظر اکرام و احترام ننگریستیم بلکه از روی جهالت و نادانی در تحقیر و تخفیف آن کوشیدیم و در برابر کاخ پر عظمت شعر و ادب ملی خود مهملاتی را بنام شعر نو انتشار دادیم و صفحات مطبوعات و کتابهایی را هر روز از مطالب و مباحث غیر اخلاقی بیشتر سیاه کردیم تا نظر مشتریان را بهتر بخود جلب نماییم .

این است راه و روش نامطلوبی که بنام تعلیم و تعلم و اشاعه علم و ادب از آن پیروی مینمائیم و من در این اندیشه‌ام که اگر وضع بدینمنوال ادامه یابد تا ده سال دیگر کمتر کسی را توان یافت که از عهده قرائت چند جمله نشر و یایک بیت شعر فصیح و روان فارسی بر آید .

بر وزارت فرهنگ و مصادر امور و دانشمندان کشور است که پیش از آنکه این پرشکوه علم و هنر رو بویرانی کلی نهد در صدد چاره‌جویی و اصلاح و مرمت آن بر آیند .